

## تبیین عشق و انواع آن در اشعار سیمین بهبهانی و عالمتاج (ژاله) قائم مقامی بر مبنای نظریه مثلث عشق استرنبرگ

وجیهه ترکمانی باراندوزی<sup>۱\*</sup>، فاطمه بهار<sup>۲</sup>، احمد کریمی<sup>۳</sup>، کورس کریم پسندی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی چالوس، چالوس، ایران  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی چالوس، چالوس، ایران  
<sup>۳</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی چالوس، چالوس، ایران  
<sup>۴</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی چالوس، چالوس، ایران

نویسنده مسئول: Email: torkamani.vajihe@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

### چکیده

عشق از مضامین پر تکرار و به عنوان محرک‌ترین عنصر حیات است که از دیرباز در خلق آثار رمانتیک و غنایی، اندیشه و زبان شاعران را مسحور کشش و لطف خود کرده است. در حوزه روانشناسی نیز نظریه‌های متعددی برای شناخت بیشتر عشق و تبیین آن ارائه شده است که از با نفوذترین آن نظریه مثلث عشق رابرت استرنبرگ است. او معتقد است، عشق کامل شامل سه مؤلفه "صمیمیت، شوریدگی و تعهد" می‌باشد و از فقدان هر مؤلفه انواع دیگری از عشق شکل خواهد گرفت که کامل نبوده و نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. پژوهش حاضر مطالعه‌ای نظری است و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و هدف اصلی آن تبیین عشق و انواع آن در اشعار سیمین بهبهانی و عالمتاج (ژاله) قائم مقامی بر مبنای نظریه مثلث عشق استرنبرگ است.

یافته‌های پژوهش پیش رو حاکی از این است که سیمین بهبهانی و ژاله قائم مقامی تحت تأثیر عوامل مختلف، چون تجربه شخصی و مسائل اجتماعی عصر، به مضمون عشق و برخی از انواع آن در شعر خود پرداختند و نشان می‌دهد که طغیان در برابر برخی هنجارها و یا ناهنجاریهای اجتماعی سبب شده که دو شاعر مذکور به مضمون عشق در زنان سوق داده شوند؛ عدم آگاهی از ابعاد عشق کامل و انتخاب ناموفق موجب بروز گونه‌های عشق می‌شود که شواهد آن در اشعار ژاله و سیمین قابل مشاهده است و برخی از آنها با معضلات اجتماعی قابل مطابقت است.

کلیدواژه: سیمین بهبهانی، ژاله قائم مقامی، نظریه، عشق، استرنبرگ.

### ۱. مقدمه

محرک‌ترین و پربسامدترین نیاز اساسی انسان "عشق" است که بازتاب آن در زوایای گوناگون زندگی قابل مشاهده بوده و پوشیده داشتن آن امری است اجتناب ناپذیر. عشق، مانند سایر نیازها در عناصر مختلفی از پدیده‌ها که افکار و اندیشه‌های انسان خالق آن می‌باشد مجال بروز می‌یابد و انسان را به سوی ارضای آن به نحوی که منجر به برقراری آرامشی درونی شود، سوق می‌دهد. نظریه‌های دوست‌داشتن تنها به بخشی از هر پدیده پرداخته‌اند و درک بهتر این نظریه‌ها در صورتی امکان‌پذیر است که این نظریه‌ها در چهارچوب یکپارچه‌ای که دیدگاه وسیع‌تری از دوست‌داشتن و دوست‌داشته شدن را در بر می‌گیرد، نگریسته شود (ر.ک: استرنبرگ، ۱۹۸۷). استرنبرگ در اواخر دهه ۸۰ نظریه تازه‌ای برای عشق ارائه کرد که به نظریه سه وجهی عشق شهرت یافت. بر اساس این نظریه عشق را می‌توان در چهارچوب سه مؤلفه شناخت که عبارتند از صمیمیت، شهوت و تعهد. در گونه‌های مختلف عشق، این مؤلفه‌ها به صورت‌های مختلفی با هم ترکیب می‌شوند و به هم می‌آمیزند (ر.ک: استرنبرگ، ۱۴:۱۳۹۶). عشق مفهومی انتزاعی است که از درونیات انسان سرچشمه می‌گیرد، بنابراین با توجه به ذهنیت و تجارب شخصی هر فرد می‌تواند تعابیر گوناگونی داشته باشد و مطابق آن، روش ارضای این نیاز در افراد مختلف متفاوت است. استرنبرگ نیز معتقد است: «تلاش برای درک و شناختن عشق، تلاش عبث و توان فرساست؛ چرا که هر انسانی برداشت خاص خود را از عشق دارد و برداشت هیچ دو انسانی کاملاً یکسان نیست» (استرنبرگ، ۲۸:۱۳۹۶). در پهن دشت ادب فارسی شاعرانی پا به عرصه نهادند که به طور چشمگیری دنیای درون خود را که حاصل تجربیاتشان از رضایتمندی و یا عدم خرسندی در زندگی است، در اشعار خود منعکس نمودند. بنابراین در این

پژوهش سعی بر این است با مطالعه اشعار ژاله قائم مقامی و سیمین بهبهانی و با در نظر گرفتن ویژگی‌های هر یک از گونه‌های عشق و انطباق آن با اشعار دو شاعر مذکور، به تحلیل و تبیین آنها بپردازد.

## ۲. بیان مسأله

عشق از جمله نیازهای اساسی است که بخش وسیعی از آثار هنری را مسئله آن در بر گرفته و دارای مفاهیم عمیق و گسترده‌ای است که مطالعه‌ای ژرف نگرانه طبق نظریه‌ای قابل قبول، چون نظریه مثلث عشق استرنبرگ، می‌تواند تاثیر بسزایی در رسیدن به درک عمیق‌تر و شناخت بهتر از آن فراهم آورد. ژاله قائم مقامی و سیمین بهبهانی از جمله شاعرانی هستند که تجارب شخصی شان در زندگی، بر اشعارشان سایه افکنده و نیز افکارشان در تناقض با عصر خاموشی و انزوای زنان در اجتماع بوده و فضای مردسالارانه و بحران‌های آن برهه از زمان، سبب شد تا اندیشه‌های فمینیستی‌شان در شعرهایشان مجال بروز یابد. این امر موجب جلوه‌گر شدن ساحت‌های گوناگون عشق در آثارشان شده است که قابل انطباق با گونه‌های عشق نظریه عشق استرنبرگ است. لذا با توجه به پیوند عمیق و ناگسستنی ادبیات و روانشناسی، نگارنده سعی کرده تا به تبیین عشق در اشعار این دو بانوی شاعر، با تکیه بر نظریه مثلث عشق استرنبرگ بپردازد و انواع عشق را با کاربست سه مؤلفه صمیمیت، شهوت و تعهد در آن نشان دهد.

## ۳. سؤالات تحقیق

- کدام یک از گونه‌های عشق مطرح در نظریه استرنبرگ، در شعر ژاله قائم مقامی و سیمین بهبهانی مشهود است؟
- تأثیر چه عواملی سبب بروز برخی گونه‌های عشق در اشعار ژاله قائم مقامی و سیمین بهبهانی شده است؟

## ۴. فرضیه‌های تحقیق

- برای هر یک از انواع عشق مطرح در نظریه استرنبرگ، شواهدی در اشعار ژاله قائم مقامی و سیمین بهبهانی قابل مشاهده است.
- تأثیر عواملی در زندگی، چون عشق یا ازدواج و نیز تبیین برخی مسائل اجتماعی عصر سبب شده تا برخی از گونه‌های عشق در اشعار ژاله قائم مقامی و سیمین بهبهانی مجال بروز یابد.

## ۵. پیشینه تحقیق

تحقیقات ادبی با رویکرد نظریه‌های روانشناسی همواره دامنه وسیع و متنوعی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است؛ لکن تحقیق مستقلاً با عنوان «تبیین عشق و انواع آن در اشعار سیمین بهبهانی و عالم‌تاج (ژاله) قائم مقامی بر مبنای نظریه مثلث عشق استرنبرگ» صورت نگرفته است. اگرچه درباره برخی ابعاد این موضوع تحقیقات قابل توجهی انجام شده است، اما کمتر به بررسی آثار شاعران معاصر که اندیشه و افکارشان نزدیک به مخاطب جامعه امروزی است، پرداخته شده. برای نمونه در حوزه پژوهش‌های نزدیک به مقاله حاضر می‌توان به آثاری چون: سارا حسین آبادی و زرین تاج‌واردی در مقاله‌ای تحت عنوان "نظریه مثلث عشق استرنبرگ و انطباق آن با دو منظومه خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین اسعد گرگانی" (۱۴۰۰)، روابط عاشقانه شخصیت‌های داستانی منظومه‌های مذکور را با توجه به مؤلفه‌های صمیمیت، شوریدگی و تعهد مورد بررسی قرار دادند و از این طریق به تطبیق آن با نظریه عشق استرنبرگ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در منظومه خسرو و شیرین، انطباق بیشتری با نظریه استرنبرگ وجود دارد. امید مجد و پروانه مجد در مقاله "نظریه مثلث استرنبرگ و انطباق آن با عقاید سعدی" (۱۳۹۰)، به تحلیل آثار سعدی در بوستان و گلستان به شناسایی و تبیین انواع عشق با توجه به عقاید سعدی پرداختند و یافته‌های تحقیقشان نشان می‌دهد در بیشتر موارد بین نظر سعدی و دیدگاه استرنبرگ انطباق کامل وجود دارد. بدریه قوامی و دریا ساعدپناه در مقاله "تحلیل منظومه لیلی و مجنون با تکیه بر نظریه مثلث عشقی استرنبرگ" (۱۳۹۶)، با توجه به روابط شخصیت‌های داستان انواع عشق را در آن بررسی نمودند. زهرا پارساپور در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی مؤلفه‌های عشق‌ورزی قهرمانان داستان خسرو و شیرین" (۱۳۹۴)، سه مؤلفه صمیمیت، تعهد و شهوت را در روابط شخصیت‌های داستان مورد ارزیابی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که حکیم نظامی برای اینکه عشقی کامل را برای قهرمانان داستانش رقم بزند، گاهی مسیر داستان را به سویی هدایت می‌کند که عشقی تمام عیار تحقق یابد.

## ۶. مبانی نظری

دربارهٔ عشق، نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است؛ چنانکه اریک فروم<sup>۱</sup> عشق را «رغبت جدی به زندگی و پرورش آنچه بدان عشق می‌ورزیم» قلمداد می‌کند (فروم، ۱۳۹۹: ۳۷). جان لی<sup>۲</sup> عشق را در شش قالب عنوان کرده و هنریک عشق را حاصل تکامل عوامل نظریه استرنبرگ می‌خواند (ر.ک: حسین آبادی و واردی، ۱۴۰۰: ۹۱). گلسر<sup>۳</sup> نیز معتقد است عشق از نیازهای اساسی انسان است که باید با انتخاب رفتاری که از درون برانگیخته می‌شود، ارضاء گردد (ر.ک: گلسر، ۱۳۹۶: ۱۰). لذا برای تبیین این نیاز، با نظریهٔ عشق استرنبرگ که به طور کامل به تشریح انواع عشق می‌پردازد، می‌توانیم جنبه‌های متعدد آن را بررسی نماییم. در نظریه عشق استرنبرگ هر یک از مؤلفه‌های صمیمیت<sup>۴</sup>، شهوت<sup>۵</sup> و تعهد<sup>۶</sup> در یکی از رؤس مثلث جای دارند. لذا عشق کامل با ترکیب هر سه مؤلفه حاصل می‌شود. مؤلفه صمیمیت آمیختگی در امور احساسی و وابستگی دو فرد از لحاظ عاطفی به یکدیگر و به وجود آمدن رابطه گرم دوستانه است. «صمیمیت پیوند نزدیک و احساس وابستگی صمیمانه است و به اشتراک گذاشتن خصوصی‌ترین و عمیق‌ترین افکار و احساسات میان دو نفر، احساساتی از قبیل مهربانی، احساس و اظهار محبت و علاقه، همدلی و غم خواری، توجه و مراقبت از یکدیگر، درک متقابل و ارج نهادن به یکدیگر» (همان: ۹۲). شهوت به اجزای هیجان‌انگیز یک رابطه عاشقانه اشاره دارد و از وجهه دیگر یک رابطهٔ دوستانه را در معرض تماشا قرار می‌دهد که به تجربهٔ اشتیاق درون رابطه منجر می‌گردد» (ر.ک: استرنبرگ، ۱۹۸۶). استرنبرگ شور و شهوت را تنها یکی از مؤلفه‌های عشق می‌داند. او می‌گوید: «نیروی مثبت قدرتمندی وجود دارد که سبب می‌شود که کسی نسبت به شخصی احساس شور و شهوت کند اما با گذشت زمان به تدریج نیروی متضادی پای می‌گیرد که تجربه شور و شهوت را تعدیل می‌کند و محرکی که در آغاز برای رسیدن به تشنگی لازم بود دیگر همان احساس را در معنا ایجاد نمی‌کند» (اسکات پک، ۱۳۷۲: ۱۷۳-۱۷۲). تعهد به یک رابطه نیرو می‌بخشد و آن را دارای ارزش و هویت می‌کند. «تعهد اصطلاحی است که به مدت و تعداد یک رابطه اشاره دارد. به این منظور که تصمیم می‌گیریم در مدت زمانی طولانی، اوقاتی را با یک شخص بگذرانیم که به آن عشق پایبند بمانیم. این پایبندی به رابطه منجر به حفظ عشق میان دو نفر می‌گردد» (استرنبرگ: ۱۹۸۶) و در جوامع مختلف افراد با ایجاد تعهدی قوی به رابطه موجود رسمیت می‌بخشند و به این طریق از گسستن رابطه جلوگیری می‌نمایند. «تعهد به هر شکلی چه عمیق و چه سطحی شالودهٔ اصلی هر رابطهٔ اصیل و دوست داشتنی است. تعهد عمیق همیشه توفیق رابطه را تضمین نمی‌کند. اما بیش از هر عامل دیگری به استحکام آن یاری می‌رساند. پیش از هر چیزی باید گفت تعهدات سطحی نیز ممکن است در طی زمان عمیق گردد و در غیر این صورت به احتمال قوی پیوند از هم گسسته می‌شود و یا به طور اجتناب ناپذیری بیمارگونه و یا به شدت شکننده می‌گردد» (اسکات پک، ۱۳۷۲: ۱۹۶).

<sup>۱</sup> Erich Fromm

<sup>۲</sup> John Ellen Lee

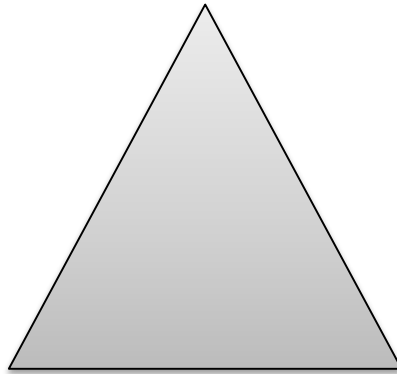
<sup>۳</sup> Glasser

<sup>۴</sup> intimacy

<sup>۵</sup> passion

<sup>۶</sup> companionate

صمیمیت (Intimacy)



شهوة (passion)

تعهد (commitment)

در صورت وجود تنها یک مؤلفه، یا با ترکیب دو مؤلفه، عشق‌هایی به وجود خواهد آمد که کامل نیستند. عشق کامل ترکیبی است از هر سه مؤلفه صمیمیت، شهوت و تعهد. بنابراین می‌توان گفت روابط هم از نظر شدت و هم از نظر شکل متفاوت است (ر.ک: استرنبرگ، ۱۹۸۷). در عشق توخالی یا پوچ<sup>۷</sup> طرفین علاقه‌ای به یکدیگر ندارند و فقط به خاطر احساس مسئولیتی که نسبت به زندگی خود یا فرزندان‌شان دارند، به رابطه ادامه می‌دهند. در این نوع عشق تنها عنصر "تعهد" وجود دارد (ر.ک: فیشر، ۱۳۹۶: ۱۳۱). در عشق دوستانه<sup>۸</sup> فقط عنصر "صمیمیت" دیده می‌شود و از تعهد و جاذبه‌های جنسی تهی است و تنها بر اساس مهر دوستی بین دو نفر پایه‌ریزی می‌شود. «این عشق یک رابطه دوستی عمیق و حقیقی است» (حسین آبادی و واردی، ۱۴۰۰: ۹۰). در عشق سودایی<sup>۹</sup> تنها مؤلفه‌ای که دیده می‌شود، "شهوت" است. عشق سودایی پایه‌های متزلزلی دارد و هر آن امکان فرو پاشیدن آن انتظار می‌رود (ر.ک: مجد و مجد، ۱۳۹۰). عشق مشفقانه یا رفاقتی<sup>۱۰</sup> گونه‌ای دیگر از عشق است که عناصر سازنده آن "تعهد و صمیمیت" است. از نظر استرنبرگ این عشق در معرض فروپاشی قرار ندارد و طرفین با صمیمیت و مسئولیت پذیری که در قبال تعهدات خود دارند به رابطه خود ادامه می‌دهند (ر.ک: همان: ۸۵). عشق ابلهانه<sup>۱۱</sup> نیز گونه‌ای دیگر است که با ترکیب مؤلفه‌های "تعهد و شهوت" شکل می‌گیرد (ر.ک: حسین آبادی و واردی، ۱۴۰۰). در این نوع عشق عاملی که موجب ادامه رابطه می‌شود، بیشتر تعهدی است که نسبت به یکدیگر دارند و شهوتی که هست به جنبه غریزی آن که فاقد چاشنی عاطفی است، مربوط می‌شود. چنین رابطه‌ای با طلاق عاطفی قابل مقایسه است. گونه دیگر، عشق رمانتیک<sup>۱۲</sup> است. آنچه این عشق را به وجود می‌آورد، مؤلفه‌های "صمیمیت و شهوت" است. این رابطه همواره عدم امنیت و اضطراب را به همراه دارد و ناامیدی به دلیل عدم تعهد بین طرفین موجب ناخرسندی از رابطه خواهد شد «چون عشق رمانتیک اساساً برای کمک به حفظ ارتباطی با ثبات و با دوام پدید نیامده است» (فیشر، ۱۳۹۷: ۱۲۷). بلکه رغبت و انگیزه‌های براساس جذابیت فیزیکی است. عشق کامل<sup>۱۳</sup> بهترین نوع عشق است که از ترکیب هر سه مؤلفه حاصل می‌شود. از نگاه استرنبرگ این نوع عشق آرمانی است. در این عشق که کمال و پختگی در آن راه یافته، انحطاط و گسست راهی ندارد و مصداق آن در این تعریف از اریک فروم منعکس شده که می‌گوید: «عشق دلالت بر مسئولیت، توجه، احترام و معرفت و آزادی و رشد و تکامل برای سایرین دارد و بیانگر صمیمیت بین دو کس با حفظ امنیت فردی است» (فروم ۱۳۹۸: ۱۲۵).

<sup>۷</sup> empty love

<sup>۸</sup> Liking love

<sup>۹</sup> infatuation

<sup>۱۰</sup> companionate

<sup>۱۱</sup> fatuous love

<sup>۱۲</sup> romantic love

<sup>۱۳</sup> consummate love

## ۷. بحث و بررسی

### ۱-۷- نگاه سیمین و ژاله به عشق

عشق ورزیدن به موجودی که بتواند نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن را در انسان ارضا نماید، امری است اجتناب ناپذیر. این نوع عشق جزء لاینفک وجود هر انسانی است. نیاز به عشق و احساس تعلق هسته ژنتیکی یک ازدواج شاد است و بدیهی است که دسترسی به این نیاز به سادگی ممکن نیست زیرا بر خلاف نیازهای دیگر برای تأمین آن وجود یک فرد دیگر نیز ضروری است (ر.ک: گلسر، ۱۳۹۷: ۶۰). عشق در اشعار سیمین بهبهانی از مضامینی است که او بیشتر بدان پرداخته و از منظرهای گوناگون به آن نگریسته است و در برخی موارد نشان از تجارب شخصی وی دارد. با مطالعه زندگی سیمین، با زنی عاشق مواجه می‌شویم که روزگاری هم شکست و ناکامی در عشق و هم خرسندی از آن در صفحه زندگی‌اش ثبت شده و این امر وی را به سرودن اشعاری عاشقانه سوق داده است. در واقع شعری که از انواع تجارب تلخ و شیرین شاعر برون تراویده باشد جایگاه گسترده‌تری را میان مخاطبین به خود اختصاص می‌دهد. زیرا اوضاع زندگی قشرهای گوناگون جامعه در آن نمود دارد. سیمین از عشق به عنوان شور زندگی یاد می‌کند و می‌گوید:

چرا چرا نوزم عشق؟ مگر نه عشق شیرین است  
همیشه عاشقم عاشق کس شور زندگی این است  
(بهبهانی، ۱۳۸۴: ۸۵۷)

از نگاه سیمین زندگی که در آن شور عشق نباشد، مرگ پیش از مرگ است و وحشت‌زا او را در کام خود فرو می‌برد:

مرگ پیش از مرگ یعنی زندگی بی شور و عشق این چنین مرگی شکارم کرد و در دامم کشید  
(همان: ۴۶۱)

نکته قابل توجه در زندگی ژاله قائم مقامی این است که او در سن ۱۶ سالگی در حالی که سال‌های آغازین دوره نوجوانی را می‌گذراند با مردی چهل ساله و صاحب نفوذ ازدواج کرد. در جامعه شناسی از ازدواج افراد زیر ۱۸ سال به "نوجوان همسری" تعبیر می‌شود و این رویداد در جامعه ایران امری دیرین و دیرپاست (ر.ک: صفوی و مینایی، ۱۳۹۴: ۸۸). ژاله در شعرهایش به عشق اشاره دارد اما این عشقی نیست که خود حلاوتش را چشیده باشد. او به درک عمیق یک رابطه عاشقانه هرگز دست نیافت. به عقیده گلسر عنصر عشق همچون دیگر نیازهای اساسی به صورت ژنتیکی در وجود انسان قرار دارد و او را به سوی مهرورزی نسبت به دیگران سوق می‌دهد (ر.ک: گلسر، ۱۳۹۶: ۶۶). و این نکته که انسان همواره در پی ارضای این نیاز در خود است در اشعار ژاله به روشنی نمود دارد. می‌توان گفت فردیت و جهان زنانه در شعر فارسی نخستین بار در شعر ژاله نمود یافت. کراچی شعر ژاله را خروشی بر خشم علیه سنت‌های مرد سالارانه و نوعی اعتراف خصوصی می‌داند که با کلامی عریان که بازتاب آزرده‌گی خاطر از ستم جنسیتی است، با روحیه‌ای مردستیز به ضدیت با ستمگری‌های مردانه می‌پردازد (ر.ک: عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۱۵۶). ژاله در وصف عشقی که آن را در دل می‌پروراند و عمیقاً خود را به آن نیازمند می‌بیند می‌گوید:

در سراپای وجودم جز محبت هیچ نیست گرم محبت این سوزان بود پس عشق چیست  
(قائم مقامی، ۱۳۹۱: ۹۰)

او در شعری با عنوان "آرزوی عشق"، تمنایی که در دلش از عشق دارد را این گونه بیان می‌کند:

گم شد جوانی‌ام همه در آرزوی عشق امارهی نیافتم آخر به کوی عشق  
(همان: ۱۰۷)

قائم مقامی در شعر "عشق" به وجود شراره‌های عشقی بدون حضور معشوق در دلش اشاره می‌کند و می‌گوید:

مایه عشقی شرار انگیز در دل هست، لیک  
 خنده می‌گیرد مرا کین عشق را معشوق کیست  
 (همان: ۹۰)

## ۲-۷- عشق رمانتیک در اشعار سیمین و ژاله

در دیوان سیمین به اشعاری می‌رسیم که مبین عشقی سوزان اما ناکام است و از آن به عشق رمانتیک تعبیر می‌شود. این عشق احساسی جهان شمول و انسانی است که در نتیجه عملکرد بعضی مواد شیمیایی و شبکه‌های خاص در مغز پدید می‌آید؛ افزایش دوپامین در مغز موجب متمرکز شدن حواس و ایجاد انگیزه و رفتارهای هدفمند می‌شود و حتی دلیل وابستگی شدید مردان و زنان شیفته به ارتباط رمانتیکشان و اینکه چرا آرزوی وحدت عاطفی با محبوبشان دارند، با افزایش دوپامین ارتباط مستقیم دارد و از سویی، کاهش سروتونین در مغز موجب تفکرات وسواس‌گونه می‌شود که یکی از عناصر اصلی عشق رمانتیک است (فیشر، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۷۵). از وجوه مشترک اشعار عاشقانه و رمانتیک همه شاعران، وجود جلوه‌های گوناگونی از وابستگی عاطفی است که در تعریف عشق رمانتیک آمده است. بدیهی است که شاعران بخشی از تجارب شخصی خویش را در قالب شعر ثبت می‌کنند و همچنین از زبان عاشقان دیگر سخن می‌گویند و با الهام گرفتن از ماجرای عاشقانه دیگران و داستان‌های عاشقانه و شخصیت‌های آن به سرودن اشعاری رمانتیک می‌پردازند. سیمین در شعری از عشقی دور از دسترس سخن می‌گوید که دوری از آن سخت موجب آشفتگی و غم در وی گشته است:

یار من، دلدار من، غمخوار من  
 دوریت امشب روانم تیره کرد  
 مایه امید قلب زار من  
 لشکر غم را به جانم چیره کرد  
 (بهبهانی، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

هلن فیشر درباره عشق رمانتیک می‌گوید: «یکی از نشانه‌های عشق رمانتیک این است که عاشق پیوسته به فکر محبوب است. عاشق نمی‌تواند زنجیره پیوسته افکارش را قطع کند. در واقع، این بعد خاص از عاشق بودن چنان قوی است که از نظر من سنگ محک عشق رمانتیک محسوب می‌شود» (فیشر، ۱۳۹۷: ۷۸). سیمین در ادامه به ایامی اشاره می‌کند که در کنار معشوق عاشقانه می‌زیست:

روزگاری با تو روزی داشتم  
 در دل از عشق تو سوزی داشتم  
 (همان: ۱۴۱)

آنچه به عنوان بهترین خاطرات در ذهن شاعر نقش بسته، تصاویری است از لحظات کنار معشوق بودن؛ چنان که می‌گوید:

دیده‌ام شب‌های روشن بی‌شمار  
 لحظه‌ای بهتر از آن هنگام ها  
 لیک در خاطر ندارم یادگار  
 کز لبانم می‌گرفتی کام ها  
 (همان: ۱۴۳)

در ابیات فوق شاعر به صمیمیت و شهوت در عشق به صراحت اشاره می‌کند اما آنچه موجب حسرت گذشته در او می‌شود، فقدان تعهد و نبودن معشوق در کنارش است که آن عشق آرمانی برایش حاصل نشد. در تئوری عشقی که استرنبرگ ارائه داده، عشق را ترکیبی از صمیمیت، میل جنسی و تعهد می‌داند و عشقی کامل است که هر سه مؤلفه را دارا باشد. در صورت عدم وجود هر یک از سه مؤلفه، قطعاً ناکامی حاصل خواهد شد. در ابیاتی که ذکر آن گذشت، ناکامی در عشق به وضوح استنباط می‌شود و از دیدگاه روانشناسی قابل اثبات است. به عقیده استرنبرگ عشقی که تعهد در آن دیده نشود و تنها مؤلفه‌های شهوت و صمیمیت را شامل شود، عشق رمانتیک است. «از دیدگاه استرنبرگ تعهد در برگزیده تصمیم‌گیری برای عشق ورزیدن نسبت به دیگری است و در بلند مدت منجر به تعلق خاطر برای حفظ آن عشق میشود» (پارساپور، ۱۳۹۴: ۴۳۷). سیمین در شعری دیگر می‌گوید:

چرا رفتی چرا من بی قرارم  
 به سرسودای آغوش تو دارم  
 (بهبهانی، ۱۳۸۴: ۲۳۸)

با توجه به نظریه استرنبرگ اگر دوست داشتن فرد دیگری به مدت کوتاهی محدود شود، صمیمیت و اگر حفظ این عشق در دراز مدت پایدار بماند تعهد صورت می‌گیرد. دقت در زندگی ژاله نشان می‌دهد که او تجربه عشق رمانتیک را نداشته و چون اغلب اشعارش را در شرح ناکامی خویش سروده، شواهدی

از این عشق در آن یافت نمی‌شود. تهی بودن اشعارش از لطافت عشق، به تکذیب بسیاری از غزل‌هایش از جانب خودش شد و بسیاری از آنها را طعمه حریق ساخت. زیرا به گفته فرزندش، حسین پژمان بختیاری، «غزل زبان عشق است و او از این سعادت محروم بوده است. غزلی هم که چاشنی عشق نداشته باشد قابل خواندن و شایسته بقا نیست» (قائم مقامی، ۱۳۹۰: ۱۹).

### ۳-۷- عشق سودایی در اشعار سیمین و ژاله

« بسیار طبیعی است که شاعری مفهوم‌گرایی چون سیمین شعرش را آینه‌ای برای انعکاس مشکلات مردمی قرار می‌دهد که پیرامونش زندگی می‌کنند. شاعر زاده شعر است و آشنا با مسائل شهرنشینی؛ بنابراین مخاطبان اصلی او، همین طبقات محروم و فقیر هستند. دو عامل مهم فقر و سرخوردگی عاطفی که ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است، از مفاهیم اصلی اشعار نخستین سیمین بهبهانی است » (حسن‌لی و حیدری، ۱۳۸۹: ۸۵). با توجه به نمادپردازی سیمین در برخی اشعار، از جمله در مجموعه شعرهای "کولیواره" به مسائل زنان اشاره داشته است. در واقع «سمبولیسم ایرانی معاصر گرایش شدیدی به وقایع اجتماعی دارد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۴۴).

سیمین در شعری با عنوان "نغمه روسپی" به عشقی ناپایدار و پوچ اشاره کرده و به توصیف آن از زبان زنی روسپی که در منجلاب سقوط اخلاقی خود را می‌یابد، می‌پردازد. در نظریه استرنبرگ عشق سودایی عشقی است که تنها مؤلفه شهوت در آن جلوه‌گر است. «لومومیرلامی معتقد است جاذبه‌های جنسی یک کشش ناآگاهانه به فرد مشخص شده دیگر است با یک جاذبه فیزیکی غیر قابل مقاومت و یک میل جسمانی. جاذبه جنسی یا همان اشتیاق شدید در ابتدای یک رابطه بسیار شدید است و به سرعت به یک عادت متمایل می‌گردد» (حسین آبادی و واردی، ۱۴۰۰ به نقل از لومومیر، ۲۰۰۹). سیمین از زبان زنی که در این ورطه خود را تنها می‌یابد می‌گوید:

پَر کس و بی کسَم و زین یاران  
 لاف دلجویی سیار زن‌بند  
 غمگساری و هواخواهی نیست  
 لیک جز لحظه کوتاهی نیست  
 (بهبهانی، ۱۳۸۴: ۲۲)

عشق سودایی هیچ دستاورد نفعی ندارد؛ زیرا مبتنی بر انگیزش‌های شهوانی است و آبشخور آن بر انگیزش فیزیولوژی و روانی است. سیمین ثمره چنین رابطه‌ای را سراسر غم و اندوه تلقی می‌کند و می‌گوید:

لَب من ای لب نیرنگ فروش  
 تا مرا چند دم بیش دهند  
 بر غمم پرده‌ای از راز بکش  
 خنده کن، بوسه بزن، ناز بکش  
 (همان: ۲۳)

« در باور اریک فروم تنها عشق نیست که خواهش‌های نفسانی را بر می‌انگیزاند. ترس از تنهایی، علاقه به غلبه کردن یا مغلوب شدن هم ممکن است آن خواهش‌ها را بر انگیزاند» (فروم، ۱۳۹۰: ۷۲). شخصیت روسپی در این شعر نقش زنی عاشق پیشه و خرسند از رابطه‌ای نه چندان پایدار را ایفا می‌کند. به عقیده گلسر « برای حفظ و ادامه هر نوع عشقی اعم از جنسی یا غیره، نیازمند عامل دوستی هستیم» (گلسر، ۱۳۹۶: ۷۹). بنابراین روسپی که به اختیار خود دست به چنین انتخابی زده است، به این امر پی برده که برای تداوم روابطش حتی روابط بی‌دوام و ناپایدار باید ظاهری فریبنده و دوستانه را برگزیند. بهبهانی در مطرح نمودن مسائل اجتماعی و مشکلات قشر ضعیف جامعه در شعر خود به سخیف‌ترین اعمالی که از یک انسان ممکن است سربرزند توجه دارد و از زبان این طیف از جامعه شعر می‌سراید و ماهرانه هم‌ذات‌پنداری می‌کند. چرا که «شعر نمادین معاصر، کاملاً اجتماعی است و نگرشی واقع بینانه به مسائل جامعه دارد و نسبت به موقعیت اجتماعی انسان حساس است، در شعر معاصر عاطفه اجتماعی غالب است، دردها و آلام شاعر، درد مردم جامعه است و آمال و آلام مردم در شعرش منعکس است» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۵: ۳۴۵). او در شعری با عنوان "جیب بر"، از زبان زنی که از درد بی‌پناهی و عجز ناشی از بی‌کسی به جیب‌بری می‌پردازد سخن می‌گوید. سیمین ریشه این ناهنجاری اجتماعی را در عشق بی‌اساسی می‌داند که بر پایه لذت جنسی است و حاصلش به وجود آمدن انسان دیگری است که خود سرنوشتی تباه دارد. لذا از زبان شخصیت جیب‌بر می‌گوید:

من ندانم که پدر کیست مرا  
 که مرا زاد و که پرورد چنین  
 سرپستان که بر دم به دهان  
 لذت بوسه مآدر نچشید  
 (بهبهانی، ۱۳۸۴: ۳۷)

چنین بی‌مهری‌هایی، تمنای عشق و محبت در وی را تا آنجا رسانده که او را به کمترین توجه و لبخندی از جانب سودجویان خرسند می‌سازد و از آن تعبیر به عشق و دوستی می‌کند:

گاهگاهی که کسی دست برد  
داشتم چشم که آماده شود  
بر بناگوش من و چانه من  
نوبتی شام و شبی خانه من  
(همان: ۳۸)

و این دوستی مقطعی که پایه‌اش تنها تمایلات و کشش جنسی است، دیری نمی‌پاید و نتیجه‌ای جز حسرت در پی نخواهد داشت و بر تجربه ناکامی شخص می‌افزاید:

لیک آن پست که با جان و تنم  
نه چنان همت والایی داشت  
می‌رهیـد از عطش سوزانی  
که مرا سیر کند با نانی  
(همان)

بهبهانی در شعر "لبخند" باز هم از عشقی ناپایدار سخن می‌گوید و این رابطه فانی که از ملزوماتش دوستی است، با یک لبخند تصنعی که ابزاری عقل فریب و دلفریب است آغاز می‌شود:

خنده نه دعوتی است عقل فریب  
قصه محرمانه‌ای دارد  
بهر آغوش آرزومندی  
از خوشی‌های وصل و پیوندی  
هوس انگیز و تشنگی افزاست  
جان‌های دوباره باید خواست  
جام اول زمی نگشـنه تهی  
جام بهمانی، ۱۳۸۴: ۸۴۷)

«میل به ارضای مؤثر نیازهای انسان بدون تجاوز به حقوق دیگران، نمایانگر نخستین مرحله در ایجاد یک زندگی موثرتر است» (ووبلدینگ و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۰). در شعر فوق دستاورد عشق سودایی برای شخصی که گرفتار آن گشت بی‌تردید ناامیدی است که از مفهوم شعر می‌توان دریافت. برای پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از روابط ناپایدار، لازم است افراد جامعه نسبت به رفتارهای خود نگرشی مسؤولانه داشته باشند و با شناخت صحیح نیازهای خود و دیگران به انتخابی عاقلانه مبادرت ورزند؛ سیمین بار دیگر به رابطه‌ای عاشقانه اما بی‌بنیان که همان عشق سودایی با مؤلفه شهوت است اشاره می‌کند. او در این شعر انزجار و نفرت درونی فردی که مغلوب چنین رابطه‌ای است را از انتخاب اشتباه خود بیان می‌دارد و می‌گوید:

آه عشق ورزیدم  
در چگونگی کابوسی  
با چگـونه حیوانی  
یا چگـونه هذیانمی  
(بهبهانی، ۱۳۸۴: ۸۴۷)

اریک فروم رابطه جنسی را پاسخی به نیاز به یکی شدن کامل، نیازی کاملاً انسانی، از طریق "توهم اتحاد" می‌داند. اتحاد، زیرا این همان چیزی است که مردان و زنانی که می‌کوشند از تنهایی فرار کنند مشتاقانه به دنبالش هستند؛ توهم، زیرا اتحادی که در لحظه کوتاه حاصل می‌شود بیگانگان را درست مثل قبل از هم رها می‌کند. لذت جنسی عملکردی را به عهده می‌گیرد که چندان تفاوتی با میخواری و اعتیاد به مواد مخدر ندارد. مثل آنها گذرا و ادواری (ر.ک: باومن، ۱۳۸۴: ۸۲). چنانکه سیمین در وصف آن می‌گوید:

آب گنـد نوشیدم  
تـن فکـندم بایـد  
در بـلـور فـنـجـانی  
در تـسـور سـوزانی  
(بهبهانی، ۱۳۸۴: ۸۴۷)

به نظر فروم رابطه جنسی فقط به لطف پیوند خود با عشق است که می‌تواند وسیله یکی شدن اصیل باشد و نه تقلید گذرا، فریبکارانه و سرانجام ویرانگری از یک اتحاد (ر.ک: باومن، ۱۳۸۴: ۸۲).

از نقدی که ژاله بر جامعه مردسالار دارد بر می‌آید که او بی‌تفاوت به مسائل و بحران‌های مختلف عصر خود نبوده اما در اشعارش بیشتر به مسأله تعدی به زنان و نادیده گرفتن حقوق آنان و سلب اختیار و انتخاب آنها اشاره کرده است که از بحران‌های اجتماعی زنان در جامعه به شمار می‌رود. در واقع از نگاه ژاله مسائل مربوط به زنان از مهم‌ترین بحران‌های جامعه است که او را به دعوت زنان از دفاع از حقوقشان وا می‌دارد. دفاع متعصبانه او از حقوق و آزادی زنان در گرو حفظ عفت و پاکدامنی‌شان سبب شد تا به مواردی از قبیل بی‌عفتی و هرگونه لغزشی که زنان برای رها کردن خود از سختی زندگی ممکن است مرتکب شوند، مانند آنچه سیمین به آنها پرداخته، اشاره‌ای نکند. از همین روی مظاهر عشق سودایی در اشعار ژاله مشهود نیست.

سیمین در شعر "سبز و بنفش و نارنجی" از زبان زنی سخن می‌گوید که در سن ۱۷ سالگی تسلیم ازدواج شده است. با توجه به نظریه استرنبرگ یکی از مؤلفه‌های عشق کامل تعهد می‌باشد. اگر دوست داشتن فرد دیگری به مدت کوتاهی محدود شود، صمیمیت و اگر حفظ این عشق پایدار بماند تعهد صورت می‌گیرد. وجود تعهد در یک رابطه امنیت خاطر برای افراد فراهم می‌آورد و به روابط عاشقانه رنگ هویت می‌بخشد. از آنجا که عشق از نیازهای



اساسی است، افراد برای ارضای آن تلاش می‌کنند و این تلاش اغلب برای به دست آوردن بهترین نوع آن است و منظور از بهترین نوع آن همان عشق کاملی است که استرنبرگ بیان کرده است. آنچه در جامعه ما و بسیاری از جوامع دیگر از تعهد در یک رابطه شکل می‌گیرد "ازدواج" است که اگر در سنین نوجوانی صورت پذیرد، چنانکه پیشتر ذکر آن گذشت نوجوان همسری نامیده می‌شود که سیمین به نکوهش آن می‌پردازد:

ای عشق، نوجوان بـــودم  
هفده بهار یغما شد  
هفده بهار گُل با من  
در ترک‌تاز تاتاری  
(بهبهانی، ۱۳۸۴: ۱۱۱۴)

#### ۴-۷- عشق ابلهانه (بلاغت آمیز) در شعر سیمین و ژاله

«عشق شامل دو وجه است: وجه کوتاه مدت و وجه بلند مدت. شکل کوتاه مدت آن یعنی تصمیم به دوست داشتن شخص خاص دیگر و شکل بلند مدت آن، یعنی تعهد به حفظ این عشق. هر دو وجه ضرورتاً یکدیگر را همراهی می‌کنند. تعهد منحصر به روابط افراد است و به سرمایه گذاری بلند مدت در یک رابطه عاشقانه اشاره دارد؛ نه میزان مسئولیت‌پذیری که فرد در رابطه عاشقانه نسبت به فرد دیگر حس میکند» (رشیدی ظفر و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۸). سیمین در شعر خود از نارضایتی یک تعهد درازمدت به، یغما بردن جوانی در ترک‌تاز تاتار تعبیر کرده و این تعبیر عمق ناخرسندی در یک رابطه را گویاست. شایان ذکر است در جامعه سنتی گذشته اغلب دختران حق انتخاب همسر را نداشتند و بعد از ازدواج هم وسیله‌ای برای تولید و تکثیر نسل بوده‌اند. لذا مؤلفه شهوت نیز به تعهد دامن می‌زند و عشق بلاغت‌آمیز (ابلهانه) را به وجود می‌آورد. سیمین در وصف چنین رابطه‌ای می‌گوید:

مردی ز راه دور آمد  
هفده بهار با او شد  
پوزار قرن‌ها با او  
هفده سال بی‌زاری  
(بهبهانی، ۱۳۸۴: ۱۱۱۵)

سیمین در شعری دیگر با عنوان "زن در زندان طلا" تصاویری شفاف از عشق ابلهانه را ترسیم می‌کند. او از خانه همسری که با وجود رفاه و آسایش، عاری از صمیمیت و عشق باشد، به "زندان طلا" تعبیر کرده و بر این باور است که آن زن، زر خرید شوی خود است و غبطه به حال زنی می‌خورد که همسری رنجبر دارد و خود همکار و شریک اوست:

مرا حسرت به بخت آن زن آید  
چنین زن، زرخیز شوی خود نیست  
که مردی رنجبر همیستر اوست  
که همکار و شریک و همسر اوست  
(همان: ۹۲)

با اظهاراتی که ژاله از عشق دارد، چنین استنباط می‌شود که او هرگز عشقی کامل را تجربه نکرده است؛ زیرا شرایطی که ژاله از آن برخوردار بود، مستعد به وجود آمدن عشق آرمانی نبود. او فقط تجربه عشق ابلهانه را داشت. «ازدواج دختری تحصیل‌کرده با مردی نسبتاً بی‌سواد، و همسری مردی چهل و اند ساله با دوشیزه‌ای شانزده ساله با وضعی بد آغاز شد و به صورتی بدتر پایان پذیرفت» (قائم مقامی، ۱۳۹۱: ۱۰). ژاله هنگام ازدواج هنوز به تکمیل مرحله بلوغ نرسیده بود. استائلی‌هان، این دوره را دوران "توفان و تنش شدید" و نیز دوران توانایی فوق‌العاده جسمانی، عقلانی و عاطفی دانسته است. گستره دگرگونی‌ها نشان می‌دهد که از لحاظ تحول عقلی و نقش محوری آن در شکل‌گیری عاطفی و اجتماعی، نوجوانی با استقرار تفکر انتزاعی از کودکی متمایز می‌شود و نوجوان پس از تأمین شرایط لازم برای ورود به جامعه بزرگسالان به جرگه بزرگسالان می‌پیوندد و در آن صورت آمادگی پذیرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌های بزرگسالان را دارد (ر.ک: صفوی و مینایی، ۱۳۹۴: ۹۸). ژاله در شعر "شوهر نامحرم" به شرط بلوغ کامل برای ازدواج دختر، اشاره می‌کند و می‌گوید:

شرط تزویج از بود در دین مانده سالگی  
دختر نه ساله شوهر را چه می‌داند که چیست  
هم بلوغ جسمی و عقلی دو شرط دیگر است  
کی عروسک بازار را جامه عروسی در خور است  
(قائم مقامی، ۱۳۹۱: ۱۴۹)

زنان در گذشته آماج طعن‌ها و حقارت‌های مردان قرار می‌گرفتند. «در ایران قبل از مشروطه و در زمان پهلوی با یک نگرش سنتی به جنس زن نگاه می‌شد؛ زن از تبعیض جنسیتی و استبداد مردسالاری رنج می‌برد» (بیگ و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۴). ژاله نیز از قربانیان این بی‌عدالتی است و به همسری مردی در آمد که بهره‌ای از روابط عاشقانه نداشت. او در شعری سیمای همسرش را عریان و بی‌پرده ترسیم می‌نماید. ابیات زیر حاکی از خشم و انزجار وی از ازدواج با همان مردی است که هرگز دوستش نداشت:

همسری عشق آشنا خواهم نه بیری گرسنه  
چشم شهوتران کجا، ادراک زیبایی کجا  
پنجه و دندان درین عشق آفرین پیکر زده  
او زنده راهی که هر حیوان بی مشعر زنده  
(قائم مقامی، ۱۳۹۱: ۱۴۳)

وصلتی که آمیخته به عشق نباشد، آرامشی نمی‌آفریند. «از این رو هر عشقی زیبا و در خور ستایش نیست، بلکه فقط عشقی زیبا و پسندیده است که ما را چنان برانگیزاند که با شکوه باشد و زیبایی آن را دوست بداریم» (افلاطون، ۱۳۹۶: ۹۲). ژاله در ادامه می‌گوید:

وصلت ما وصلت یغماگر و یغما شدست  
اوست مردی زن گرفته، من زنی شوهر زده  
(همان: ۱۴۴)

مظاهر عشق ابلهانه در بسیاری از شعرهای ژاله نمود دارد. «در چنین رابطه‌ای "صمیمیت" فرصتی برای توسعه یافتن پیدا نمی‌کند و هوس به زودی رو به افول می‌رود. در نهایت، طرفین احساس ناامیدی می‌کنند و این رابطه به احتمال زیاد کوتاه مدت خواهد بود» (رشیدی ظفر و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۹). ژاله به این نوع ازدواج که عاری از صمیمیت و دوست داشتن است همواره دیدگاهی انتقادی دارد. در باور او این ازدواج تنها رنگی از شرع را در خود دارد و شرعی نیست:

ازدواج شرعی است این یا زنایی شرع رنگ  
نی غلط گفتم، نکاهی با نکال آمیخته  
(قائم مقامی، ۱۳۹۱: ۶۱)

ژاله در جامعه‌ای مرد سالار می‌زیست. در چنین جامعه‌ای «مردان وزنان طبق فرهنگ مرد سالاری رفتار می‌کنند و هرکس از این دایره تخطی کند، فرو می‌ماند و در آن اجتماع پذیرفته نمی‌شود» (زرقانی و حسین زاده، ۱۴۰۰: ۶۰). شایان ذکر است تلقی ژاله از آزادی زنان، آزادی بر مبنای دموکراسی غربی که حاصل انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی انگلستان است، نبوده؛ بلکه هدفش آزادی زن از اسارتی است که در خانواده و جامعه بر آنان تحمیل می‌شد. از حوادث مهم عصر ژاله صدور فرمان مشروطه بوده است. «مسئله زن و تعلیم و تربیت او با مشروطه شروع می‌شود و یکی از درون مایه‌های اصلی شعر این دوره را تشکیل می‌دهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۹). ژاله همچنان که همچنان خود را به عفت و پاکدامنی دعوت می‌کند، برایشان قدرتی می‌طلبید که با آن بتوانند خود را از یوغ استبداد مردانه برهانند و به حقوق تزییع شده خود، دست یابند. در واقع «مهمترین مسئله‌ای که فکر او را به خود مشغول داشته و تقریباً در جمیع اشعارش به وضوح دیده می‌شود؛ عقب ماندگی زنان و آرزوی ترقی آنان است. وی به قصد تعدیل حکومت مطلقه مردان و دفاع از حق زن با گستاخی عجیبی سخن می‌راند و به جرأت می‌توان او را نخستین مدافع حقوق زن در ایران دانست» (قائم مقامی، ۱۳۹۱: ۲۳). ژاله از اینکه زن به عنوان ذخیره کامرانی‌های مرد به همسری او در می‌آید احساس انزجار می‌کند و چنین زندگی برده آسایی را در خور زنان نمی‌داند:

ای ذخیره کامرانی‌های مرد  
چند باشد برده آساز زیستن  
تن فروشی باشد این یا ازدواج  
جان سپاری باشد این یا زیستن  
(همان: ۶۶)

از ویژگی‌های منحصر به فرد شعرهای ژاله قائم مقامی، حدیث دل گفتن با اشیاء است. شعر "درد دل با اینه" از همین دسته اشعار او است که آینه را مخاطب خویش قرار داده است. در این شعر ژاله از زندگی تباها شده‌اش و پیوند و تعهد نامیمون خود با مردی که هم کفوش نبود با آینه سخن می‌گوید:

مطربم راه مبارکباد می‌پرداخت لیک  
شمع سفره عقد هم سوزان و گریان بود  
گوش من پر بود ز آهنگ عزا ای آینه  
او ز سرمی سوخت من سرتا به پا ای آینه  
(همان: ۱۳۴)

## ۵-۷- عشق کامل در اشعار سیمین و ژاله

در برخی از اشعار سیمین بهبهانی مظاهر عشق کامل مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است شواهدی که برای انواع عشق آورده می‌شود، لزوماً از تجارب شخصی شاعر نمی‌تواند باشد. بلکه هر آنچه شاعر در پیرامونش شاهد آن بوده الهام‌بخش وی برای سرودن اشعار رمانتیک و عاشقانه و یا اجتماعی خواهد شد. اگرچه ممکن است از تجارب شخصی خود نیز بهره گیرد اما در بیشتر مواقع اشاره‌ای مستقیم بر این موضوع نشد. با این حال سیمین در شعر "بس که در این کهنه" اشاراتی به خود و سرنوشتش دارد. او در سن ۱۷ سالگی پیوند ناهمگونی با حسن بهبهانی آغاز کرد. او هرگز از این ازدواج خشنود نبود چرا که در بند عشقی ابلهانه محبوس گشته بود. سرانجام پس از بیست سال و با وجود سه فرزند، با طلاق زندگی مشترکشان به پایان رسید. ازدواج سیمین خلیلی با حسن بهبهانی موجب شهرت این بانوی شاعر به سیمین بهبهانی شد. در واقع از همسر اولش نامی برای او باقی ماند. او پس از مدتی با منوچهر

کوشیار ازدواج کرد و تا پایان عمر کوشیار عاشقانه کنارش زیست. از این دو ازدواج، طبق نظریه استرنبرگ دو نوع عشق قابل برداشت است. ازدواج اولش که زندگی عاری از صمیمیت را برایش رقم زد از نوع عشق بلاهت آمیز بود؛ اما ازدواج دوم او با منوچهر کوشیار که مملو از عشق بود از نوع عشق کامل بود. تصمیم (تعهد) که در کوتاه مدت منجر صمیمیتی می‌شود که یکی دیگری را دوست بدارد، در بلند مدت حفظ آن عشق را در بر می‌گیرد (استرنبرگ، ۱۹۸۶). سیمین در شعر خود به هر دو ازدواجش و اینکه از یکی نام و دیگری عشق برایش حاصل شد، اشاره می‌کند و می‌گوید:

وام یکی نام دارد آن دگری عشق  
من به گروگان، چنین حقیقربماندم  
(بهبهانی، ۱۳۹۱: ۵۶۲)

سیمین در شعر دیگری که خطاب به همسر دومش منوچهر کوشیار سروده است می‌گوید:

یک عمر همه تو شدم، لیک در مجاز  
اینک حقیقت است اگر همسرت شدم  
همدوش نیز هستم و همگام و همطریق  
تهاگمان مبر که همبسترت شدم  
(همان: ۳۸۶)

ژاله اگرچه عشق کامل را تجربه نکرد اما در بیتی به زیبایی وصفش می‌کند و آنرا لازمه آسایش روح لطیف زن می‌شمرد و می‌گوید:

گرگویمش ای مرد من ز منم  
زن را سخن از نوع دیگر است  
آسایش روح لطیف زن  
فرزندی و عشقی و همسریست  
(همان: ۷۷)

وجود فرزند، عشق و همسر در یک رابطه، مبین سه مؤلفه صمیمیت، شهوت و تعهد در عشق کامل است و این همان عشقی است که ژاله آرزوی بهره‌مندی از آن را داشت. او چون خود عشقی متعالی از همسرش دریافت نکرد و هرگز تجربه آن را در زندگیش نداشت، ابیات قابل توجهی راجع به آن ندارد.

با دقت و تعمق در اشعار سیمین و ژاله و یافتن شواهدی که دلالت بر هر یک از انواع عشق داشته باشد، طی جدول زیر نشان داده می‌شود:

جدول ۱. وجود یا عدم وجود انواع عشق در اشعار سیمین بهبهانی و ژاله قائم مقامی

انواع عشق استرنبیگ	سیمین بهبهانی	ژاله قائم مقامی
۱. عشق رمانتیک صمیمیت + شوریدگی	شامل آن دسته از اشعاری می‌شود که به وصف دوست داشتن همراه با تصاویری از هم آغوشی پرداخته است.	مشهود نیست. بنا بر اظهارات پژمان بختیاری، مادرش انگیزه‌ای برای سرودن اشعار عاشقانه نداشته است.
۲. عشق دوستانه فقط صمیمیت	مشهود نیست	مشهود نیست
۳. عشق سودایی فقط شهوت	در اشعاری از سیمین با مضمون اجتماعی که تنگدستی را منشأ روسپیگری و روی آوردن به عشق‌های بی بنیان می‌داند، مشهود است.	مشهود نیست. از آنجا که ژاله مدافع آزادی زنان با حفظ عفت بوده و این عشق با مقوله عفت زن منافات دارد.
۴. عشق توخالی فقط تعهد	مشهود نیست	مشهود نیست
۵. عشق ابلهانه تعهد + شهوت	در اشعاری که به ازدواج زود هنگام در نوجوانی اشاره داشته این نوع عشق نمود دارد و می‌توان گفت از تجربه شخصی شاعر نشأت گرفته است.	در سراسر اشعار ژاله این نوع عشق منعکس شده است که به طور یقین تجربه شخصی و ناکامی خود در عشق را بازگو کرده است.
۶. عشق مشفقانه تعهد + صمیمیت	مشهود نیست	مشهود نیست
۷. عشق کامل صمیمیت + تعهد + شهوت	انعکاس آن در اشعاری که شاعر اشاره مستقیم به ازدواج موفق و داشتن آرامش کنار همسر و فرزند داشته، مشاهده می‌شود.	ژاله تنها در یک بیت به وصف عشق کامل پرداخت و آن را در گرو وجود عشق، همسر و فرزند دانسته است. لذا تجربه خودش نبوده.

## نتیجه‌گیری

با مطالعه دقیق اشعار سیمین بهبهانی و ژاله قائم مقامی به این نتیجه دست یافته‌ایم که عشق به عنوان یک نیاز اساسی جایگاه ویژه‌ای را در اشعار آنها به خود اختصاص داده است. هنگامی که افراد برای ارضاء نیاز عشق فردی را به عنوان شریک عشقی یا همسر بر می‌گزینند، لزوماً نباید انتظار پدید آمدن عشق کامل را داشت؛ چرا که در نظریه مثلث عشق استرنبرگ، عشقی کامل است که از ترکیب سه مؤلفه صمیمیت، شهوت و تعهد حاصل شده باشد. طبق این نظریه اگر در روابط بین دو فرد یک یا دو مؤلفه دیده نشود، انواع دیگری از عشق به وجود می‌آید که کامل نبوده. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از میان انواع عشق مطرح در نظریه مثلث عشق استرنبرگ، مظاهر برخی از آنها در اشعار سیمین و ژاله قابل مشاهده است که در این میان شماری از آنها جلوه‌های بارز و غیر قابل انکار از تجربه‌های شخصی آنها است. از مشترکات زندگی این دو شاعر ازدواجی ناموفق در اوان نوجوانی بوده است که به جدایی انجامید و دستاوردی جز شکست و ناکامی برای آنها نداشت. لذا درک مشترکی از عشق ناکام داشته‌اند که منجر به نمود یافتن عشق ابلهانه که مرکب از مؤلفه‌های تعهد و شهوت است در شعرشان شده است. ژاله در شعرهایش بیشتر از سیمین به عشق ابلهانه پرداخت زیرا او تا پایان عمرش عشق ایده‌آلی که آرزوی او را داشت، تجربه نکرد. گویا وی این درد را در همه زنان آن عصر مشترک می‌دانست و آن را بر نمی‌تافت. ژاله به ندرت در شعرهایش به وصف عشق کامل پرداخت. انواع دیگر عشق در شعرهایش مجال بروز نیافت. این در حالی است که سیمین بهبهانی در خلال شعرهای اجتماعی به برخی معضلات آن از جمله انحراف اخلاقی که بر پایه روابط جنسی است و منجر به عشق سودایی می‌شود، اشاره کرده و مصادیق متعددی از آنها را در دفتر شعرش گنجانده. برای مثال به وصف آن از زبان شخصیت روسپی و جیب‌بُر پرداخت. بازتاب عشق رمانتیک هم که از ترکیب شهوت و صمیمیت به وجود می‌آید در اشعارش بسیار منعکس شده و مشهود است. مظاهر عشق کامل که در زندگی مشترک با همسر دومش، منوچهر کوشیار آن را تجربه کرد در اشعارش به زیبایی جلوه‌گر است.

## منابع

- ۱- استرنبرگ، رابرت (۱۳۹۶) قصه عشق. ترجمه علی اصغر بهرامی. تهران: جوانه.
- ۲- اسکات پک، مورگان (۱۳۷۲) هنر عاشقی. ترجمه زهرا ادهمی. تهران: روشنفکران.
- ۳- افلاطون، (۱۳۹۶) ضیافت. ترجمه محمدعلی فروغی، چاپ سوم. تهران: کوله پستی
- ۴- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴) عشق سیال. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.
- ۵- بهبهانی، سیمین (۱۳۸۴). چاپ دوم، مجموعه اشعار. تهران: نگاه.
- ۶- بیگ، مریم؛ حیدری نیا، هادی؛ صادق زاده محمود (۱۳۹۹) نقد و پردازش اصول رمانتیسم جامعه گرا در شعر ژاله قائم مقامی و نازک الملائکه، فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل زبان و ادبیات فارسی (دهخدا) دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۱۵۲-۱۲۷.
- ۷- پارساپور، زهرا (۱۳۹۴). بررسی مؤلفه‌های عشق ورزی قهرمانان داستان خسرو و شیرین نظامی با تکیه بر نظریه مثلث عشق استرنبرگ، گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی ایران. دوره ۱۰. صص ۴۴۳-۴۳۵
- ۸- حسن لی، کاووس؛ حیدری، مریم؛ (۱۳۸۵) بررسی عناصر زندگی معاصر در شعر سیمین بهبهانی، نشریه علوم اجتماعی و انسانی شیراز دوره ۲۵، شماره ۳، پیاپی ۴۸.
- ۹- حسین آبادی، سارا؛ واردی، زرین تاج (۱۴۰۰) نظریه مثلث عشق استرنبرگ و انطباق آن با دو منظومه خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین اسعدی گرگانی. سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ۱۴، شماره ۴، پیاپی ۶۲، صص ۱۰۲-۸۹
- ۱۰- رشیدی ظفر، محبوبه؛ سهیلا، قسیم ترشیزی (۱۳۹۹) تحلیل ارتباطات عاطفی زنان در آثار سیمین دانشور بر اساس نظریه عشق استرنبرگ. نشریه زن و فرهنگ. سال ۱۱، شماره ۴۴، صص ۵۹-۴۷.
- ۱۱- زرقانی، سید مهدی (۱۳۹۱) چشم‌انداز شعر معاصر ایران، جریان شناسی شعر ایران در قرن بیستم. چاپ اول تحریر دوم، تهران: ثالث.
- ۱۲- زرقانی، سید مهدی؛ حسین زاده، سیده فهیمه (۱۴۰۰) بازنمایی نقش زنان در ادبیات عامه عصر قاجار بر مبنای ادبیات مکتب خانه‌ای). مجله فرهنگ و ادبیات عامه. شماره ۳۸، صص ۷۸-۴۷.
- ۱۳- شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۰) ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. چاپ اول ویرایش دوم، تهران: سخن
- ۱۴- فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۵) بلاغت تصویر. تهران: سخن
- ۱۵- شولتز، دوان؛ سیدنی، آلن (۱۳۷۹) نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی. چاپ پنجم. تهران: ویرایش
- ۱۶- صفوی، حنانه سادات؛ مینایی، ماه گل (۱۳۹۴) تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه ازدواج زود هنگام دختران آران بیدگل). ویژه نامه پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶ شماره اول، صص ۱۰۶-۸۷
- ۱۷- عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹) بررسی سیر تحول مادرانه در شعر چند شاعر زنان مشروطه تا امروز. فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، شماره هفدهم، صص ۱۰۰-۸۵.
- ۱۸- فروم، اریک (۱۳۹۸) انسان برای خویشتن. ترجمه علی اکبر تبریزی. چاپ دهم. تهران: بهجت.
- ۱۹- فروم، اریک (۱۳۹۷) هنر عشق ورزیدن. ترجمه پوری سلطانی. چاپ سی و سوم. تهران: مروارید.
- ۲۰- فیشر، هلن (۱۳۹۷) چرا عاشق می شویم، ماهیت و فرآیند عشق رمانتیک. ترجمه سهیل سمی. چاپ سوم، تهران: ققنوس.
- ۲۱- قائم مقامی، ژاله (۱۳۹۱) دیوان. چاپ اول. تهران: گل آذین.
- ۲۲- گری؛ جان (۱۳۹۲) عشق پایدار. ترجمه مهدی قراچه داغی. چاپ دهم. تهران: پیکان.
- ۲۳- گلسر، ویلیام (۱۳۹۶) تنوری انتخاب. ترجمه علی صاحبی. چاپ چهاردهم. تهران: سایه سخن.
- ۲۴- گلسر، ویلیام (۱۳۹۷) ازدواج بدون شکست. ترجمه علی صاحبی. تهران: سایه سخن.
- ۲۵- مجد، امید؛ مجد، پروانه (۱۳۹۰) نظریه "مثلث عشق" استرنبرگ و انطباق آن با عقاید سعدی. زن در فرهنگ و هنر. دوره ۲، شماره ۴، صص ۸۹-۸۱.
- ۲۶- مشیریان فراچی، سیده مریم؛ مشیریان فراچی، سید مهدی؛ آقامحمدیان شعریاف، حمیدرضا؛ سپهری شاملو، زهره (۱۳۹۶) اثر بخشی واقعیت درمانی به شیوه گروهی مبتنی بر تنوری انتخاب بر کیفیت زندگی افراد پرخاشگر. نشریه روان پرستاری. شماره ۱. صص ۵۲-۴۷
- ۲۷- ووبلدینگ، رابرت (۱۳۹۵) واقعیت درمانی برای قرن بیست و یکم. ترجمه علی صاحبی و حسین زیرک. چاپ اول. تهران: سایه سخن.

Fateme bahar

Ph.D Student Department of Persian Language and Literature, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran  
chalous.

Vajihe Torkamani

Assistant profesor Department of Persian Language and Literature, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous,  
Iran chalous

Ahmad karimi

Assistant profesor Department of Persian Language and Literature, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous,  
Iran chalous

Kuros Karim Pasandi

Assistant profesor Department of Persian Language and Literature, Chalous  
Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran chalous

**Abstract:**

*Love is one of the recurring themes and as the most motivating element of life, which has enchanted the thought and language of poets with its charm and grace since long ago in the creation of romantic and lyrical works. In the field of psychology, several theories have been presented to better understand and explain love, the most influential of which is Robert Sternberg's love triangle theory. He believes that perfect love consists of three components: "intimacy, passion and commitment" and from the lack of each component, other types of love will be formed that are not perfect and will not have a favorable result. The current research is a theoretical study and it has been done in a descriptive-analytical way by referring to library sources, and its main purpose is to explain love and its types in the poems of Simin Behbahani and Alamtaj (Jale) Qaim Magi based on Sternberg's love triangle theory.*

*The findings of the present research indicate that Simin Behbahani and Jale Ghaem Maggi, under the influence of various factors, such as personal experience and social issues of the age, addressed the theme of love and some of its types in their poetry, and it shows that rebellion against some norms and or social anomalies have caused the two mentioned poets to be driven to the theme of love in women; Lack of awareness of the dimensions of perfect love and ineffective choice causes the emergence of types of love, the evidence of which can be seen in the poems of Jaleh and Simin, and some of them can be matched with social problems.*

**Keywords:** Sana'i, social poetry, critical subject, Utopia